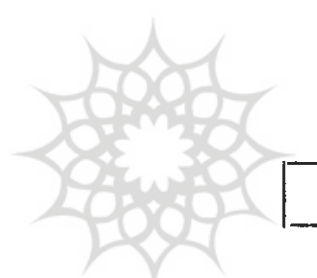


ولی این مقررات کافی برای رعایت کامل احترام و اقتدار قوه قضائیه نیست و بایستی در عمل آنرا بمنصه ظهور آورده رسیدگی بکلیه امور قضائی را از هر قبیل که باشد مخصوص سازمان دادگستری دانست. زیرا چنانکه سابقاً هم توضیح شد و طبق مصرحات قوانین اساسی قوه قضائیه توأم بادو قوه دیگر مقننه و اجرائیه نمودار و شاخص استقلال مملکت و تشکیل دهنده حکومت دموکراسی است و چنانکه قوه مجریه را حق دخالتی بهیچ وجه در وظایف و تکالیف قوه مقننه نیست هم چنان نبایستی با ایجاد تشکیلات متنوعه و ابتکاری بوظایف و حقوق قوه قضائیه تجاوز و دخالت داشته باشد و گر نه امنیت قضائی که ضامن بقاء استقلال و ترقی مملکت است مفهومی بلا مصداق خواهد بود.



محمود سرشار

مرور زمان

(بقیه)

بعد از یاسای غازانی و یاسای چنگیزی که کلیه قوانین و مقررات و فرامین در آن مجموعه جمع آوری شده بود و دو برلیغ آن را در مورد مرور زمان بدست آوردیم دیگر مأخذ و اسنادی بدست نیامد ولی در قوانین عادی ما که در تنظیم اسناد آثار آن هنوز باقی است همانا مرور زمان نسبت به ضمان درك میباشد که در قبالات و بنچاقهای قدیم که قرنهای متعددی در این کشور رایج بوده و فعلا هم هست برسم القباله چنین بود که مینوشتند در صورت بروز و کشف فساد از حال تحریر لغایت مدت پنجاه سال کامل هلالی فلانی ملزم است از عهده غرامت برآید و این رویه و سنت بالفعل هم

جریان دارد و در قبالات محضری مدت پنجاه سال در صورت بروز کشف فساد قید میشود و با اینکه بالفعل قانون مرور زمان در مورد ضمان بموجب ماده ۷۳۷ آئین دادرسی مدنی دهسال است باز هم پنجاه سال قید میکنند و در دادگستری سابق و همچنین ترافعات شرعی این اصل را رعایت مینمودند که احکام زیادی صادر شده و سوابق آن در اداره را کد موجود است .

در عرف و عادات هم که خود یکی از منابع حقوق است اصطلاحاتی از قدیم وجود داشته و هنوز هم جاری است که خود مؤید وجود مرور زمان و استناد به آن بوده است از قبیل ضربالمثل معروف طلب سوخته را کی داده و کی گرفته یا کلمه معروف (مالیده) یا جمله (کهنه شده) و یا وای به خوبی که مدتی از آن بگذرد ! و امثال و نظایر آن خود اشاره بوجود مرور زمان و استناد به آن از ازمینه خیلی قدیم بوده است .

در قانون مدنی ایران عنوانی از مرور زمان ذکر شده است و حال آنکه حق بود در مبحث سقوط تعهدات یکی از موارد را هم مرور زمان قرار میدادند. در اولین قانون اصول محاکمات حقوقی ایران مصوب دوره دوم مجلس شورای ملی (کمیسیون قوانین عدلیه مجلس) مورخه ۱۹ ذیقعد ۱۳۲۹ قمری هجری نیز ذکر از مرور زمان نشده است فقط برای اولین مرتبه در دوره ششم قانونگذاری مجلس شورای ملی در قانون ثبت عمومی املاک و مرور زمان مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۶ هجری شمسی اشاره به مرور زمان شده و در ماده سوم . مدت مرور زمان را نسبت به قبل از تصویب این قانون از تاریخ منشاء دعوی چهل سال شمسی دانسته است . ولی در قسمت جزائی در اولین قانون مجازات عمومی مصوب کمیسیون عدلیه ۲۳ دیماه ۱۳۰۴ شمسی دوره پنج قانونگذاری مجلس شورای ملی در مواد ۵۱ و ۵۲ تلویحاً اشاره به مرور زمان شده ولی بالصراحه اسمی از مرور زمان برده نشده است و در آن موقع موجبات برای این تصریح فراهم نبوده است .

اگر چه در قمره دوم از ماده ۶۵ قانون آزمایش و در مورد ایرادات مدعی علیه اشاره نموده که (. . . حق دعوی قبل از آن بواسطه تادیه مدعی به به اجراء قرار داد یا تمهید یا بواسطه صدور حکم محکمه عدلیه یا مصالحه

و امثال آن ساقط شده . . .) ممکن است از کلمه امثال استنباط مرور زمان را نمود ولی تازه وافی به مقصود نیست زیرا که فرضاً گفتیم کلمه (امثال) ناظر به مرور زمان هم باشد مدت و میزان و مبدأ آن معلوم نیست و باز هم به مسامحه برگذار شده است .

ولی در قانون تسریع محاکمات که در واقع ضمیمه قانون اصول محاکمات حقوقی آزمایش است و در تاریخ سوم و دوازدهم تیر ماه ۱۳۰۹ مصوب مجلس شورای ملی رسیده است در فقره ۶ از ماده اول مرور زمان را در تعداد ایرادات مدعی علیه ذکر کرده و تصریح نموده که در مورد مرور زمان مدعی علیه میتواند بدون اینکه جواب مدعی را بدهد ایراد نماید و بموجب ماده ۷ قانون تسریع محکمه مکلف است قبل از رسیدگی به ماهیت دعوی به ایراد که شده است علیحده رسیدگی کرده قراری بدهد .

در اصول محاکمات جزائی که عنوان قانونی ندارد ذکر از مرور زمان نشده فقط در ماده پنجم که بعنوان اصلاح این اصول غیر قانونی به مجلس برده اند بتصویب رسیده ذکر از مرور زمان شده (با این ترتیب که نوشته شده . (پس از تکمیل تحقیقات و همچنین در موردیکه محکمه از ابتداء با وجود مشاهده نقص ایراد مرور زمان یا ایرادات دیگری را وارد دیده یا خود متوجه آن شده است و ادامه رسیدگی را بپذیرد بداند و یا در صورتیکه تحقیقات از اول کامل بوده است قرار مقتضی صادر خواهد نمود)
دیگر غیر از این ماده ذکر از مرور زمان نشده است .

اما اصول محاکمات مورد بحث علاوه بر آنکه بتصویب مجلس رسیده و عنوان قانونی ندارد شور اول آن هم در دوره کامل قانونی مجلس دوم خاتمه نیافته زیرا اگر به سوابق زیرین مراجعه شود ملاحظه خواهد شد که مجلس دوم در ۳ ذیقعد ۱۳۲۹ پس از مدت دو سال شمس معین در قانون اساسی (اصل پنجم) و قانون انتخابات اختتام پذیرد و مرحوم مشیرالدوله وزیر وقت این لایحه را که مشتمل بر ۵۰۹ ماده بوده در جمادی الاولی ۱۳۲۹ به مجلس تقدیم نموده و به کمیسیون ارجاع شده فرض کنیم در تاریخ تقدیم به کمیسیون عدلبه ارجاع شده و هر روز هم مورد شور قرار گرفته باشد

با اشاره باینکه هشت ماه مورد رسیدگی قرار گرفته تازه قسمتی از شور اول هم در دوره تمدید غیر قانونی مجلس بوده (که برای مدت چهل روز تمدید یافت حسب تصمیم ۲۱ ذیقعد ۱۳۲۹ مجلس دوم) بالاخره مرحوم ناصرالملک نایب‌السلطنه از این عمل خلاف قانون اساسی جلوگیری کرد و نگذاشت و کلاه که دوره قانونی‌شان سپری شده به مجلس بروند تا مجلس سوم باحضور نمایندگان ملت تشکیل شود علی‌ای حال این مواد شور دومش هم در هیئت وزراء و بقول مرحوم آقا سید حسن مدرس در کمیسیون خارج از مجلس شده که آن نیز غیر قانونی بوده و عنوان رسمیت ندارد و از همه بدتر شرح و تفصیلی است که وزراء وقت و اعضاء کمیسیون خارج بر آن نوشته اند و اصول قانونگذاری را متزلزل کرده اند زیرا بنا بر مستفاد از اصول مختلفه قانون اساسی و متمم آن قوانین باید در مجلس شورای ملی (جلسه علنی بر طبق ماده ۴۷ با حضور روزنامه نویس و تماشاجی بتصویب برسد تا عامه ناس از مفاد مذاکرات و شرح و تفصیل کار مستحضر شوند والا اختیار دادن به کمیسیون مجلس عنوان قانونی ندارد زیرا ملت و کالت در توکیل به نمایندگان خود نداده که در کمیسیون قانون بگذرانند و بمرحله اجرا درآید و این رویه که سنت و سابقه بدی در مجالس مختلفه شده صورت قانونی ندارد و لوائیکه مصوبات کمیسیون ها را هم بصورت ماده واحده از مجلس علنی بگذرانند .

بهر تقدیر بر فرض مصوبات کمیسیون عنوان قانونی داشته باشد و در مورد اصول محاکمات جزائی نامبرده این عمل نشده زیرا قسمتی از شور اول آن در دوره غیر قانونی تمدیدی مجلس دوم بوده و شور دوم آنهم در کمیسیون خارج بوده که چند نفر در خارج مجلس بدون داشتن سمت نمایندگی ملت نشستند و تصویب کردند .

باز هم مرحوم ناصرالملک رعایت حزم و احتیاط را نموده اولاً عنوان قانون به آن نداده ثانیاً امضاء و اجراء آن را مقید به قید موقت نموده است علی‌هذا میتوان اینطور استنباط نمود که ما قانون اصول محاکمات جزائی نداریم و فقط چند ماده از آن مربوط به محاکمات جنائی در سال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۱ از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی و چند ماده هم متناوباً

در سنوات ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ و ۱۳۱۷ و ۱۳۲۰ و سنوات دیگر از تصویب مجلس گذشته یعنی موادی که اساساً از مجلس نگذشته و عنوان قانونی نداشته و بقول مرحوم ناصرالمک موقت هم بوده اصلاح چند ماده از آن را بتصویب کمیسیون مجلس یا خود جلسه علنی مجلس برسانند و روش قانونگذاری را خراب میکنند و خود هیئت وزیران وقت هم ناقص بودن آنرا تسجیل و امضاء نموده اند و با این حال هنوز این مواد بدون داشتن عنوانی قانونی اجرا میشود و باستناد آن اعمالی هم در این چهل سال شده است .

انتقاد دیگر این است که در ذیل این مواد اگر از طرف وزیر پیشنهاد کننده و هیئت وزراء و اعضاء کمیسیون خارج از مجلس اشاره به جلب نظر جناب مسیو آدلف برنی پرو کورور دولت قویشوکت جمهوری فرانسه شده و در ذیل صورت مجلس هم بعد از امضاء وزیر عدلیه وقت امضاء ایشان دیده میشود . برنی پرو کورور دولت جمهوری فرانسه در ماموریت تهران ژوئیه ۱۹۱۲ مطابق سه شنبه غره شعبان ۱۳۳۰ .

اولا چه مناسبت داشته که در تنظیم این مواد يك نفر خارجی شرکت کند بر فرض هم عنوان مستشار داشته مستخدمی بیش نبوده و نباید در مقدمه لایحه و مؤخره آن اسم او با این آب و تاب برده شود که اسباب وهن ملت ایران شود بعلاوه ایشان اگر مستخدم ایران بوده اند عنوان پر کور در ماموریت تهران چه صورت دارد مگر در مستعمره و یا مستملکه ماموریت داشته ؟

بعلاوه این لفظ را غلط ترجمه کرده اند پرو کورور دولت جمهوری فرانسه یعنی دادستان شهرستان ذکر لفظ پرو کورور بدون ترجمه آن و ترجمه دلار بوبلیک فرانسه به دولت قویشوکت جمهوری فرانسه معنی ندارد زیرا دادستان شهرستان را در فرانسه پرو کورور دولار بوبلیک میگویند (Procureur de la république) بعلاوه پرو کورور لفظ عامی است که معانی زیادی از آن مستفاد میشود این شخص دادستان شهرستان در کشور فرانسه بوده در ایران چه میکرده در هر حال تمام این جریان بر خلاف رویه و قانون بوده .

از همه مضحک تر این است که موادی را بعنوان اصول محاکمات جزائی

در سال ۱۳۳۰ به مرحله اجرا درمی آورند بدون اینکه قانون مجازاتی وجود داشته باشد قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ شمسی یعنی چهارده سال پس از اصول محاکمات جزائی در مجلس ۵ (آنهم به ترتیب تصویب کمیسیون) میگذرد معلوم نیست که در این ۱۴ سال مدار عمل محاکم جزائی چه بوده است اگر بگویند ملاک کتاب جزای عرفی مرحوم نصرت الدوله بوده که یک خلاف قانون تر از این خلاف قانون مرتکب شده اند اگر چیزی غیر از این بوده مبنا و ماخذ آن چه بوده است . ؟

آنوقت پس از ۱۳۰۴ که قانون مجازات عمومی گذشت تازه کشور تا به امروز قانون اصول محاکمات جزائی مصوب مجلس شورای ملی ندارد حال اگر قضات محترم به تصویب ضمنی پاره از مواد قوانین اشاره بفرمایند و اصول محاکمات جزائی را به استناد اصلاح و تصویب چند ماده از آن در مجالس نهم و دهم و یازدهم قانونی بشمارند در جواب عرض میشود نسخ ضمنی ماخذ و مبنائی دارد ولی تصویب ضمنی ابدأ عنوانی ندارد و قانون باید در مجلس علنی شور و مذاکره شده و بتصویب برسد و در مورد اصول محاکمات جزائی پس از چهل سال هنوز از این موضوع عملی نشده و معلوم نیست آراء و تصمیمات متخذه سابق که بر پایه این مواد بوده چه صورتی را خواهد داشت ؟ نظریه کمیسیون متشکله در وزارت دادگستری

قانون اصول محاکمات جزائی دارای بیانصد و شش ماده پیشنهادی وزارت عدلیه در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی شوراول آن باتمام رسیده و شور ثانی آن نیز تا ماده یکصد و هفتاد تمام شده بود که در این وقت مجلس شوری منفصل گردیده و قانون مزبور نا تمام ماند نظر به اهمیت و فوریت قانون مزبور و لزوم و کثرت احتیاجات عمومی به آن از طرف وزارت عدلیه از امضاء کنندگان حاج سید نصرالله و ذکاءالملک و میرزا رضاخان طباطبائی تقاضا شد به معاونت و مشاورت حضرتین آقای سید محمد حسن مدرس و آقای مشیرالدوله و با جلب نظریات جناب مسبو پرنی بر کورور دولت قوشوکت جمهوری فرانسه مستشار عدلیه شور دوم قانون مزبور را بانجام برسانیم که از طرف هیئت جلیله وزراء موقتاً بموقع اجرا گذاشته شود تا پس از افتتاح

مجلس شورای ملی پیشنهاد به مقام هیئت مقننه شده بعد از جرح و تعدیل و تحصیل نظریات نمایندگان ملت از آن مقام منیع گذشته قانونیت کامله حاصل کند لهذا در مدت دو ماه باحضور آقایان مدرس و مشیرالدوله و جلب نظریات جناب مستشار شور دوم آن را با تمام رسانیدیم و موافقت آن باقوانین مقدسه اسلامیه و عادات و اخلاق مملکت نیز بقدر مقدور رعایت شده است .

نصرالله التقوی (محل مهر) ذکاءالملک (محل مهر) رضا طباطبائی

نائینی محل مهر

پس از تصمیم کمیسیون چنین نتیجه گرفته میشود که شور اول این مواد در کمیسیون مجلس شورای ملی صورت گرفته و شور دوم در کمیسیون متشکله در وزارت دادگستری انجام یافته و هیئت وزراء برای اجرای آن تصویبنامه صادر نموده تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی به هیئت مقننه پیشنهاد شده که و کلای مجلس مواد را جرح و تعدیل نموده و قانونیت کامله حاصل کند که این جمله اخیر نیز مؤید این معنی است که این مواد صورت قانونی قبل از تصویب مجلس شوری ندارد .

نظریه مرحوم سید حسن مدرس

حقیر در کمیسیون مجلس دارالشوری و کمیسیون خارج حاضر نبودم و بقدر امکان سعی نمودم الضرورات تبيح المحظورات امور جزائی که به محاکم صلحیه و محاکم جنائی اختصاصی که بر طبق قانون تشکیلات باشد ارجاع میشود موافق شرع انوراست و مواد متعلقه بامور اداری مخالفتی با قوانین اسلامیه ندارد فی ۲۳ شهر رجب ۱۳۳۰

امضاء سید حسن مدرس (محل مهر)

نظریه مرحوم مشیرالدوله

لایحه قانون موقتی محاکمات جزائی را که این جانب در زمان تصدی بوزارت عدلیه موافق پروگرام هیئت وزراء در شهر جمادی الاولی ۱۳۲۹ به کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده بودم مطرح شود اول در کمیسیون شده نظریات جناب مستشار عدلیه در آن لایحه جلب شده و چون در حین شور ثانوی بواسطه انفصال مجلس شورای ملی مذاقه لایحه مزبوره

باتمام نرسیده بود و اهمیت و ضرورت قوانین موقتی مزبورہ احساس میشود از طرف وزارت عدلیہ کمیسیون مخصوصی از آقایان مفصلہ در فوق تشکیل ومذاقہ وشور ثانوی درحضور این جانب بعمل آمده و نظریات جناب مستشار عدلیہ ثانیاً در لایحہ قوانین مزبورہ جلب شده وبالاخرہ قوانین مذکورہ بدین ترتیب کہ دارای پانصدوشش ماده است درآمده وچهارده ماده آن (از ماده ۴۱۶ الی ماده ۴۲۹) از طرف کمیسیون مخصوص عدلیہ پیشنهاد شده است .
به تاریخ ۲۹ شهر رجب ۱۳۳۰ .

امضاء حسن مشیرالدوله (محل مهر)

(پرنی) پروکورو دولت جمهوری فرانسه در مأموریت تهران ۱۶

ژیوہ ۱۹۱۲ مطابق سه شنبہ غره شعبان ۱۳۳۰ .

تصویبنامہ ہیئت وزراء

بسم الله الرحمن الرحيم

قوانین موقتی اصول محاکمات جزائی مشتمل بر ۵۰۶ ماده کہ چهار صد و نود و دو ماده آن از طرف وزارت عدلیہ پیشنهاد کمیسیون عدلیہ مجلس شورای ملی شده و در کمیسیون مزبور پس از نظریات جناب مسیو آدولف پرنی مستشار عدلیہ مطرح شورا اول شده ودر اثنای شور ثانی بواسطہ انفصال مجلس شورای ملی مذاقہ کامل در قانون مزبور بعمل نیامده بود ولزوم وضرورت قوانین موقتی مزبورہ کاملاً احساس میشود لهذا کمیسیون مخصوصی از طرف وزارت عدلیہ اعظم از آقایان مفصلہ ذیل حجت السلام آقای سید حسن مدرس - آقای حاج سید نصرالله - آقای ذکاءالملک - آقای میرزا رضاخان نائینی تشکیل و مذاقہ در شور ثانوی بسا حضور جناب مستطاب اجیل آقای مشیرالدوله و جناب مسیو آدولف پرنی پروکورو دولت جمهوری فرانسه در ماموریت مستشاری وزارت عدلیہ اعظم بعمل آمده و ۱۴ ماده (از ماده ۴۱۶ الی ماده ۴۲۹) از طرف کمیسیون مخصوص به قانون مزبور افزوده شده کہ مجموع این (۵۰۶) ماده بتصویب وامضاء کمیسیون مزبور و تصدیق حضرت حجت الاسلام آقای مدرس کہ از آقایان علماء طراز اول هستند رسیده و از طرف جناب مستطاب آقای ممتازالدوله وزیر عدلیہ به هیئت وزراء پیشنهاد شده بود

در جلسه پنجشنبه نهم رمضان المبارک ۱۳۳۰ وزراء تصویب شد که وزیر عدلیه مواد مزبور را بموقع اجراء گذارد - نجفقلی بختیاری صمصام السلطنه رئیس الوزراء - محتشم السلطنه وزیر داخله - محمدعلی علاء السلطنه وزیر امور خارجه - صادق مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف - غلامحسین بختیاری سردار محتشم وزیر جنگ - ابراهیم معاون الدوله وزیر مالیه - اسمعیل مستشارالدوله وزیر عدلیه - محل مهر

متن تلگراف مرحوم ناصرالملک نایب السلطنه از لندن

ازلندن - هیئت وزراء عظام - در باب اصول محاکمات جزائی البته وزراء عظام دقت کرده اند که خلاف مقتضیات و شرع نباشد در این صورت بطوریکه وزراء عظام تصویب کرده اند بعنوان موقت مضمی است .

۲۸ رمضان - ابوالقاسم

در هر حال در قوانین و موادی که فوقامابه آن اشاره نمودیم خواه تصریحاً و خواه تلویحاً اشاره به مرور زمان شده ابدأ تعریفی از مرور زمان بعمل نیامده و این موضوع پس از سالها قانونگذاری بالاخره در قانون آئین دادرسی مدنی پیشنهادی جناب آقای دکتر متین دفتری وزیر وقت دادگستری مصوب ۵ شهریور ۱۳۱۸ از ماده ۷۲۱ الی ۷۷۰ که يك باب مفصل (باب یازدهم) که شامل پنج فصل است به تعریف و توضیح مرور زمان پرداخته و در ماده ۷۳۱ مینویسد .

مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی که بموجب قانون پس از انقضاء آن مدت دعوی شنیده نمیشود . و این تعریف هم شمول بر مرور زمان مملک هم مرور زمان مسقط و یامبری دارد .

فلا قبل از اینکه وارد مبحث مرور زمان و انواع آن در قوانین موضوعه کشور خودمان بشویم باید بدانیم حکم مرور زمان در قوانین مادرچه موارد جاری نگردیده یا معلق شده است و چه مواردی اصلاً غیر قابل مرور زمان است در آئین دادرسی مدنی از ماده ۷۵۱ الی ۷۵۸ در مورد اشخاصی که تحت ولایت و قیمومت میباشند مانند صغیر و مجنون و سفیه و همچنین زوج و زوجه مادام که زوجیت باقی است و پدر و مادر و جد و جدیه و اولاد

مطلقاً و برادر و خواهر و برادر و خواهر و خواهر و خواهر و برادر در دعاوی ارثی و یا کسانی که بواسطه قوه قاهره یا بعلت خطر جانی یا ناموسی با مخاطره اموال خود و اقرباء نزدیک خود میتوانسته اند اقامه دعوی نمایند و همچنین دیون مؤجل یا مشروط مادام که موعد آن نرسیده یا شرط آن موجود نشده باشد و نیز نسبت باملاکی که در دفتر املاک به ثبت رسیده و همچنین بین وصی و قیم و محجور مادام که صورت حساب زمان تصدی زمان امور محجور داده نشده مرور زمان جاری نمیشود .

ولی عطف بـه قانون مدنی (فصل سوم از ماده ۲۳ الی ۲۹ نسبت به اموالی که مالک خاص ندارد در قانون آئین دادرسی ما ذکر شده و گویا آنرا از بدیهیات دانسته اند که مشمول مرور زمان نیست حق این بود این مواد هم در آئین دادرسی مدنی نیز ذکر و منعکس شود .

مثلاً طرق و شوارع عامه و کوچه هائی که آخر آن مسدود نیست نه در تحت تملك اشخاص در می آید (چون مالک خاص ندارد) و نه مرور زمان در مورد آنها جاری خواهد بود همینطور در مورد پلها کاروانسراها و آب انبار های عمومی مدارس قدیمه - میدانگاههای عمومی - قنوت و چاههای مورد استفاده عموم و اموال دولتی که معد است برای مصالح و انتفاعات عمومی از قبیل استحکامات - قلاع - خندقها - خاکریزهای نظامی - قورخانه اسلحه خانه - ذخیره - سفاین جنگی - اثاثیه و ابنیه سلطنتی - عمارات دولتی سیمهای تلگراف و تلفون دولتی - موزه ها - کتابخانه های عمومی - آثار تاریخی و امثال آنها بالجمله آنچه از اموال منقوله و غیر منقوله را که دولت بعنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد قابل تملك خصوصی نبوده و همچنین اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالات یا ولایات یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد .

بطور کلی مرور زمان در مورد این فقرات جاری و ساری نیست و حق این بود در آئین دادرسی مدنی اشاره باین موضوعات میشد و صرفاً بعنوان اینکه از بدیهیات است از تصریح آن صرف نظر ننمود یا موارد مربوطه به نوانخانه ها - پرورشگاه ایتم و صغار - زایشگاهها - بیمارستانها -

تیمارستانها - جنگلهای عمومی شطوط رودخانهها - دریاها - دریاچهها -
 فرودگاهها - گار راه آهن - سواحل و اراضی مستعدته در سواحل - بنادر
 ترعهها - سدها و همچنین مساجد و معابد و تکایا و امامزادهها و مؤسسات
 مذهبی را نیز حق بود که در قانون ذکر مینمودند که قابل تملک خاص نیست
 و بطریق اولی مرور زمان در مورد آنها جریان نخواهد داشت .

در قوانین اغلب کشور های جهان این تصریح وجود دارد که هر
 چیزی قابل معامله و تجارت باشد قابل مرور زمان هم هست و مفهوم مخالف
 آن این است که اموالی که مالک خاص ندارند قابل مرور زمان نیستند و
 تقریباً همین مفهوم در قانون ما نیز وجود دارد که هر چه قابل تملک هست
 قابل مرور زمان هم هست ولی تصریح آن انبساط و اولی بود . که مرور زمان
 موقعی حاصل میشود که مال قابل معامله و تجارت باشد و آنچه مالک خصوصی
 ندارد قابل مرور زمان نیست .

نکته دیگر راجع به ماده ۷۴۶ آیین دادرسی مدنی است که نظیر آن
 در قوانین خارجی نیز وجود دارد . تصرفی که موجب مرور زمان میشود تصرفی
 است که بعنوان مالکیت باشد و تصرفی کسی که بعنوان غیر متصرف است
 مثل مباشر و مالک منافع و وصی و وکیل و امسالت دار و مأذون از طرف
 مالک منشاء مرور زمان برای آن شخص نمیشود و این ماده که در بحث تصرف
 نوشته شده حق این بود که در فصل سوم در تحت عنوان : در مواردیکه حکم
 مرور زمان جاری نمیشود و یا معلق میگردد (ذکر میشد .

موضوع دیگر که در قوانین ما به آن اشاره نشده و در درجه اول
 اهمیت موضوع اموال حاصله از جرم است که در مورد این قبیل اموال نیز
 مرور زمان نباید جریان داشته باشد مثل مالی سرقت شده پس از گذشتن
 یازده سال اموال مسروقه و سارق آن پیدا میشود گرچه سارق از نظر
 گذشتن سه سال از تعقیب جزائی معاف میشود ولی شخص نامبرده یعنی سارق
 نمیتواند به استناد گذشتن ده سال از طریق مرور زمان حق صاحب مال را
 اسقاط نماید و مال حاصله از سرقت و همچنین سایر جرائم مشمول مرور زمان
 نخواهد بود .

قسمت دیگر راجع به اراضی و شهر هائی است که برای مدت‌های موقت یا ممتد تحت اشغال دولت قاهر و متجاوزی در می‌آید که در این قبیل موارد باستناد مقررات حقوق بین الملل عمومی مقررات مربوطه به مرور زمان مادام که اشغال وجود دارد ساری و جاری نیست و مورد مشمول قوه قاهره (فرس ماژر) میباشد .

در حقوق اساسی هم حق واصل حاکمیت ملی را غیر قابل مرور زمان میدانند و اصل ۲۶ از متمم قانون اساسی میگوید . که قوای مملکت ناشی از ملت است . طریقه استعمال آن قوی را قانون اساسی معین مینماید .

اگر حکومتی روی کار بیاید و حق حاکمیت ملی را از افراد کشور سلب نماید چون حق مزبور قابل مرور زمان نیست حق همیشه به جای خود باقی بوده و پس از زوال آن حکومت ملت میتواند از حق حاکمیت ملی خود استفاده نماید .

این اصل کاملاً با اصول مذهبی ما منطبق میشود که در قرآن حکومت مردم بر مردم را قائل شده و کلیه مردم در سر نوشت و مقدرات همدیگر سهیم و شریک بوده و تشخیص منکرات و معروف با مردم است و باید همه در امور یکدیگر وارد و نظارت داشته باشند و خداوند در قرآن مجید میفرماید .

کنتم خیرامة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر
مزیت این کیش بر سایر ادیان و امام این است که حکومت باید بر پایه و اساس اراده ملی باشد و این حقوق را که عبارت از امر به معروف و نهی از منکر باشد نمیتوان بهیچوجه از افراد سلب نمود و غیر قابل مرور زمان میباشد .